

غزل شماره ۲۷۸

شرابِ تلخ می‌خواهم که مردا فکن بُد زورش
که تا یک دم یاسایم ز دنیا و شر و شورش

سماطِ دهرِ دون پرور ندارد شهدِ آسایش
مذاقِ حرص و آز ای دل، بشو از تلخ و از شورش

یاور می‌که تُوّان شد ز مکرِ آسمان ایمن
به لعبِ زهره چکنی و مریخِ سلخورش

کمندِ صیدِ بهرامی بیکن، جامِ جم بردار
که من پیمودم این صحرا، نه بهرام است و نه کورش

بیانادری صافیت رازِ دهر بنایم
به شرط آن که تئابی برج طبعانِ دل کورش

نظر کردن به درویشانِ منافی بزرگی نیست
سلیمان با چنانِ حشمت، نظر ما بود با مورش

کمانِ ابروی جانان نمی چید سراز حافظ
ولیکن خنده می آید، بدین بازوی بی زورش

تفسیر فال

از فرصتی که در اختیار داری به بهترین نحو استفاده کن وگرنه ممکن است شخص دیگری از این فرصت به نفع خود بهره‌برداری کند. این نکته حائز اهمیت است که توجه به زبردستان و افراد زیر مجموعه نیز باید در اولویت قرار گیرد. اگرچه مقام و ثروت می‌توانند قدرت زیادی به انسان ببخشند، اما نشان‌دهنده شخصیت واقعی یک فرد، محبت و توجه او به زبردستانش است. اگر بتوانی با دلسوزی و احترام با آنها رفتار کنی، نشان‌دهنده آن است که مردی بزرگ هستی. در واقع، زندگی دامی برای تو گسترده‌اند؛ پس باید هوشیار باشی تا از این دام‌ها دور بمانی و مسیر درست را انتخاب کنی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)